

منابع فرهنگ رشیدی

آسیه کازرونی (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد)

فرهنگ رشیدی دومین فرهنگ عبدالرشید تتوی (منسوب به تته) یکی از شاعران دانشمند ایالت سند، در مغرب هندوستان (پاکستان کنونی)، است که در سال ۱۰۶۴ هجری تألیف شده و دارای شاهدهای شعری است. فرهنگ رشیدی، که ظاهراً نخستین فرهنگ انتقادی فارسی است، بنا به نظر نویسنده برگرفته از دو منبع است که در ضمن تألیف به نقد و بررسی مطالب آن‌ها نیز پرداخته شده:

چنین گوید معترف به عجز و قصور و مغترف از مشرب اهل هوش و ارباب شعور، عبدالرشید عبدالحسین بن عبدالغفور الحسینی المدنی التتوی، که چون فرهنگ جهانگیری و سروری مطالعه افتاد، جامع‌ترین فرهنگ‌ها دید، اما مشتمل بودند بر امری چند که احتراز و اجتناب از آن لازم و متحتم گردید (تتوی، فرهنگ رشیدی، نسخه مجلس، برگ ۱ ب).

عبدالرشید تتوی بارها در ضمن تألیف فرهنگ خود به این دو کتاب استناد کرده‌است. از فرهنگ جهانگیری با عنوان «فرهنگ» نام برده: «هرجا فرهنگ مطلق مذکور شود عبارت از فرهنگ جهانگیری باشد» (همان، برگ ۲ ب)، اما افزون بر فرهنگ جهانگیری و مجمع‌الفرس سروری، به بسیاری از منابع دیگر به صورت مستقیم یا با واسطه استناد کرده‌است. او از دیوان صدها شاعر شاهد انتخاب کرده‌است، اما به بسیاری از فرهنگ‌ها، دانشنامه‌ها، تفسیرها و زندگی‌نامه‌ها نیز رجوع کرده‌است. در این مقاله به شیوه رجوع رشیدی به منابع و معرفی آن‌ها و برخی منابع نایاب او پرداخته می‌شود.

۱- روش مراجعه به منابع

۱. چنانکه پیش‌تر یاد شد، فرهنگ جهانگیری و سروری دو منبع اصلی تتوی است، اما نباید تصور کرد که او از سایر منابع به‌صورت مستقیم و بی‌واسطه استفاده کرده‌است. این نکته در پاره‌ای مواضع کتاب او مشهود است، مانند **کوم** در نسخه سروری گفته که در تاج‌الاسامی به معنی «اذخر» آورده (همان، برگ ۲۵۵ ب).

۲. رشیدی در آوردن معنی‌ها و شاهدها سعی دارد به کتاب‌ها و اسناد و نسخه‌های معتبر رجوع کند و با استناد به آن‌ها سخن گوید. حتی در صورت دسترسی نداشتن به منابع موثق به این نکته نیز اشاره می‌کند، مانند

بلغار / بالضم / ... و به معنی «چرم ادیم»، چنان‌که مشهور است، در کتب معتبره دیده نشد (همان، برگ ۷۹ ب).

پایندان صف نعال و کفش‌کن؛ ضامن و کفیل... مولوی گوید: هرکه پایندان او شد وصل یار / او چه ترسد از شکست کارزار. ... صاحب

۳. رجوع به فرهنگ‌های کهن‌تر شیوه بسیاری از فرهنگ‌نویسان است. عبدالرشید تتوی نیز برای یافتن معنی واژه‌ها به منابع گوناگون رجوع کرده و اگر در برخی کتاب‌ها آن را نیافته، به این امر اقرار کرده‌است، مانند

مسکه / بالفتح / معروف و به عربی زبده گویند و این فارسی است. چنان‌که از صراح معلوم می‌شود، اما در فرهنگ نیآورده‌اند و در کتزاللغات و مؤیدالفضلا در لغات عربی آورده، لیکن در لغات معتبره عرب نیز یافته نشد (همان، برگ ۲۷۳ ب).

۴. گاه دیده می‌شود که مؤلف در ذیل مدخلی، مستقیم یا با واسطه، به چندین منبع رجوع کرده و همه مأخذ را ذکر و گاه نقد کرده‌است، چنان‌که ذیل واژه «مالول»، علاوه بر جهانگیری و اشاره به دو منبع مندرج در آن، به چهار منبع دیگر هم رجوع کرده‌است:

مالول / به ضم لام اول / غلامی که مرتبه بزرگ یافته باشد و رئیس غلامان بود و در فرهنگ‌ها تفسیر آن کلونید نوشته‌اند به معنی «بنده بزرگ»؛ چه کلو به معنی «بزرگ» باشد و در فرهنگ گوید که هندوشاه و حافظ اوبهی کلونید / به کاف فارسی / گفته‌اند و به «رسن» تفسیر کرده‌اند و ایشان را غلط عظیم افتاده. اما شمس فخری ماکول / به ضم کاف / به معنی «رسن» آورده و گفته: بهر ماکول تا به کی داری / حلق جان را به غصه در ماکول؟ و در نسخه وفایی به معنی

«پرخوار» و «اکول» گفته، چنان‌که عنصری گوید: تحفة السعادة ماکول و مالول هر دو به این معنی قلیه کردم دوش پیش آوردم به پیش / تا آورده. حاصل آن‌که در این لغت اضطراب بسیار بخوردند آن دو ماکول نهنگ. و در نسخه میرزا مدلول / به لام / «شکم‌بنده» و «بنده بلندمرتبه»؛ و در ادات ماکول به معنی «غلام بزرگ‌مرتبه»؛ و در

۵. رشیدی از منابع متعدد به شیوه‌های گوناگون بهره برده و از برخی از آن‌ها، مانند فرهنگ‌ها، برای یافتن معنای واژه استفاده کرده‌است. شماری از آن‌ها، مانند دیوان شاعران و متن‌های ادبی، به قصد آوردن شاهد کاربرد داشته‌اند و برخی تنها در روش تألیف، فصل‌بندی و ترتیب حروف تهجی الگوی کار قرار گرفته‌اند و از محتوا و مطالب آن‌ها استفاده نشده‌است:

حرف اول را باب و حرف دوم را فصل قرار داده شده؛ بر طریق ترتیب نهایی حدیث جزری و حیاة الحیوان دمیری و فایق زمخشری. چه در این ترتیب ضبط لغات خصوصاً لغات فرس بیشتر و بهتر می‌شود (همان، برگ ۲ ب).

۶. نویسنده در ذکر منابع تنها به نام کتاب اکتفا نکرده و گاه اطلاعات بیشتری، مانند

نام نویسنده و هویت او به خواننده می‌دهد، مانند

خدا... مولانا جلال‌الدین دوانی در شرح عقاید از خف / بالفتح / گیاهی است نرم که آتش زود در آن امام فخر نقل کرده که معنی خدا «خودآینده»، گیرد و... در تحفة السعادة، که یکی از اهل هند یعنی «واجب‌الوجود»... (همان، برگ ۱۲۶ ب). تصنیف کرده، به معنی «زشت‌رو» و «بی‌سعادت» گفته... (همان، برگ ۱۳۲ ب).

البته ریشه ذکر شده در ذیل مدخل خدا عامیانه و نادرست است.

۲- معرفی منابع فرهنگ رشیدی

تعداد منابع مورد استفاده رشیدی نزدیک به هشتاد عنوان است که بر این تعداد باید بیش از دویست دیوان شعر را نیز افزود. در زیر شماری از منابع او آورده می‌شود:

۳- فرهنگ‌ها

این کتاب‌ها شامل فرهنگ‌های فارسی به فارسی، عربی به فارسی و عربی به عربی است که رشیدی مستقیم یا با واسطه از آن‌ها بهره برده‌است.

۳-۱- فرهنگ‌های فارسی به فارسی

فرهنگ‌های فارسی یکی از پرکاربردترین منابع فرهنگ رشیدی هستند. به نظر می‌رسد عبدالرشید تتوی، هم به واسطه فرهنگ جهانگیری و مجمع‌الفرس سروری و هم به صورت مستقیم، از مهم‌ترین فرهنگ‌های فارسی به فارسی نوشته شده تا سال ۱۰۶۴ هجری بهره برده است. با اینکه فرهنگ رشیدی در ترتیب لغت‌ها به شیوه برهان قاطع نوشته شده و ترتیب حروف تهجی اول و دوم در آن رعایت شده است، اما رشیدی برهان قاطع را نمی‌شناخته است؛ شاید به این سبب که برهان قاطع به سال ۱۰۶۲ هجری، یعنی تنها دو سال پیش از تألیف فرهنگ رشیدی، نوشته شده است و هنوز نزد عبدالرشید تتوی مشهور نبوده است. بنابراین روش تنظیم و ترتیب لغت‌ها در فرهنگ او بر پایه تجربه شخصی و برگرفته از برخی کتاب‌های حدیث است. در زیر فهرستی از فرهنگ‌های فارسی مورد استفاده رشیدی به ترتیب زمان تقریبی تألیف آن‌ها آمده است:

ردیف	نام فرهنگ	نویسنده	زمان تألیف	محل تألیف
۱	فرهنگ ابو حفص سغدی	ابو حفص سغدی	قرن ۴	ایران
۲	لغت فرس	اسدی طوسی	قرن ۵	ایران
۳	صحاح الفرس	محمد بن هندوشاه نخجوانی	۷۲۷	ایران
۴	معیار جمالی	شمس‌الدین محمد فخری	۷۴۵	ایران
۵	لسان‌الشعرا	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم
۶	ادات‌الفضلا	قاضی بدرالدین	۸۲۲	هند
۷	زفان گویا و جهان پویا	بدرالدین ابراهیم	۸۳۷	هند
۸	شرفنامه منیری	ابراهیم قوام فاروقی	۸۷۷	هند
۹	تحفة السعادة	محمود بن شیخ ضیا	۹۱۶	هند
۱۰	مؤیدالفضلا	محمد بن لاد دهلوی	۹۲۵	هند
۱۱	فرهنگ وفایی	حسین وفایی	۹۳۳	ایران
۱۲	تحفة الاحباب	حافظ اوبهی	۹۳۶	ایران
۱۳	فرهنگ میرزا ابراهیم	میرزا ابراهیم بن میرزا شاه‌حسینی	۹۸۹	ایران
۱۴	لغت حلیمی	لطف‌الله حلیمی	قرن ۱۰	ایران

۱۵	فرهنگ سامانی	سامانی	نامعلوم	نامعلوم
۱۶	فرهنگ منظومه	نیازی	نامعلوم	نامعلوم
۱۷	مجمع‌الفرس (تحریر ۱)	محمدقاسم سروری	۱۰۰۸	ایران
۱۸	فرهنگ جهانگیری	جمال‌الدین انجو شیرازی	۱۰۱۷	هند

۲-۳- فرهنگ‌های عربی

تتوی به زبان عربی آشنایی کامل داشته، تاجایی که هجده سال پیش از نوشتن فرهنگ رشیدی فرهنگ عربی به عربی منتخب‌اللغات شاه‌جهانی را تألیف کرده‌است. او در تألیف فرهنگ رشیدی از برخی فرهنگ‌های عربی به فارسی و عربی به عربی موجود تا سده یازدهم بهره برده‌است. چنان‌که درباره لغتی از فرهنگ‌های عربی به عربی استفاده کرده باشد، عین عبارت عربی را ذیل واژه می‌آورد، مانند:

کزاز /بالضم و به هر دو زای معجمه/ بیماری موجب خشکی و تشنج است. لیکن عربی است است که از کثرت سردی به هم رسد. مأخوذ از و فی القاموس «الکزاز کعزاب و رمان داء من کزازه یعنی «تب» و «انقباض». چه آن بیماری شدة البرد و الرعدة» (همان، برگ ۲۳۷ الف).

در زیر فهرستی از فرهنگ‌های عربی مورد استفاده رشیدی آورده شده‌است:

ردیف	نام فرهنگ	نویسنده	قرن	زبان
۱	السامی فی الاسامی	احمدبن محمدبن احمد میدانی	۵ و ۶	عربی به فارسی
۲	نصاب الصبیان	ابونصر فراهی	۷	عربی به فارسی
۳	مهدب‌الاسماء فی مراتب الاشیاء	محمودبن عمر زنجی	نامعلوم	عربی به فارسی
۴	مقاصداللغه	نامعلوم	؟۷	عربی به فارسی
۵	صراح‌اللغه	ابوالفضل محمدبن عمر خالد	۷	عربی به فارسی
۶	تاج‌الاسامی (تهذیب‌الاسماء)	نامعلوم	۷ و ۸	عربی به فارسی
۷	قاموس‌اللغه	مجدالدین محمد فیروزآبادی	۸	عربی به عربی
۸	کنز‌اللغات	محمدبن عبدالخالق	۹	عربی به فارسی

۴- تفسیر قرآن و حدیث و فلسفه اسلامی

ردیف	نام کتاب	نویسنده	قرن	موضوع
۱	رساله معراجیه	ابن سینا	۴ و ۵	فلسفه معراج

					پیامبر
۲	شفا	ابن سینا	۴ و ۵		فلسفه و منطق
۳	ترجمه مصباح صغیر	شیخ طوسی	۵		دعا و عبادات
۴	الفائق فی غریب الحدیث	زمخشری	۵		نقد و تفسیر حدیث
۵	تفسیر ابوالفتوح	ابوالفتوح رازی	۵ و ۶		تفسیر قرآن
۶	حکمت اشراق	سهروردی	۶ و ۷		فلسفه اسلامی
۷	دره التاج	قطب‌الدین شیرازی	۷		دانشنامه فلسفی
۸	نقد محصل	نصیرالدین طوسی	۷		تفسیر و فلسفه اسلامی
۹	النهایه فی غریب الحدیث و الاثر	مجدالدین محمد جزری	۷		حدیث
۱۰	حواشی کشاف	میرسید شریف جرجانی	۸		تفسیر
۱۱	شرح العقاید العزیه	ملاجلال‌الدین دوانی	۹		تفسیر عقاید اهل سنت
۱۲	جواهر الاسرار	علی حمزه‌بن حسن طوسی	۹		حدیث و کلام
۱۳	تفسیر حسینی	حسین واعظ کاشفی	۹ و ۱۰		تفسیر قرآن

۵- دیوان‌های شاعران

عبدالرشید تتوی در دیباچه فرهنگ رشیدی مأخذ شاهدها را چنین معرفی می‌کند:

بدان که برای فرس قدیم شاهد از شعر قدما آورده شد و برای استعارات و مرکبات و بعضی لغات مفرده مستحدث از اشعار متأخرین. اما در نسبت بعضی اشعار به قدما و صحت آن الفاظ مؤلف را تأملی است؛ چون دواوین ایشان به نظر نیامده، از فرهنگ جهانگیری نقل شد. صحت نقل برعهده مؤلف اوست و با وجود آن مهما ممکن کوشش در صحت آن نموده شد (همان، برگ ۱۴ ب).

با اینکه بسیاری از شاهدها برگرفته از فرهنگ جهانگیری است، شاهدها و مصراع‌هایی هم در فرهنگ رشیدی دیده می‌شود که در فرهنگ جهانگیری و حتی مجمع‌الفرس سروری موجود نیست. رشیدی از بیش از دویست شاعر شاهد آورده که بیشترین آن‌ها از ابن‌یمین، ابوشکور بلخی، ازرقی، اسدی، امیرخسرو، انوری، بسحاق اطعمه، خاقانی، رودکی، سعدی، سوزنی، شمس فخری، عثمان مختاری، عطار، عمید

لویکی، عنصری، فرخی، فردوسی، قطران، کمال اسماعیل، مسعود سعد، مولوی، ناصر خسرو، نزاری و نظامی است.

۶- متن‌های فارسی و عربی

متن‌هایی که در فرهنگ رشیدی استفاده شده بسیاری از موضوعات را در بر می‌گیرد. این کتاب‌ها بیشتر به فارسی است، اما آثار عربی نیز در آن دیده می‌شود. این آثار به ترتیب زمان تألیف عبارت‌اند از:

ردیف	نام کتاب	نویسنده	قرن	زبان	موضوع
۱	طبقات الصوفیه	خواجه عبدالله انصاری	۴ و ۵	فارسی	عرفان و تصوف
۲	کشف المحجوب	علی بن عثمان هجویری	۵	فارسی	عرفان و تصوف
۳	مقامات حمیدی	حمید الدین بلخی	۶	فارسی	مقامه‌نویسی
۴	چهارمقاله	نظامی عروضی سمرقندی	۶	فارسی	دیبری، طب، شاعری و نجوم
۵	درة الغواض فی اوهام الخواص	قاسم بن حریری	۵ و ۶	عربی	اشتباهات ادیبان
۶	کلیله و دمنه	نصرالله منشی	۶	فارسی	داستان‌های تعلیمی
۷	مفتاح العلوم	سکاکي	۶ و ۷	عربی	علم بیان
۸	رساله ساز و پیایه	بابا افضل کاشانی	۷	فارسی	سیاست و کشورداری
۹	اعجاز خسروی	امیر خسرو دهلوی	۸	فارسی	ترسل و انشا
۱۰	حلی مطرّز	شرف‌الدین علی یزدی	۹	فارسی	معما
۱۱	مناظر الانشاء	عمادالدین محمود گاوان	۹	فارسی	ترسل و انشا

۷- دانشنامه‌ها

دانشنامه‌هایی که رشیدی به آن‌ها رجوع کرده پاسخ‌گوی ابهام موجود در برخی از مدخل‌های فرهنگ رشیدی است. این آثار به ترتیب زمان تألیف عبارت‌اند از:

ردیف	نام کتاب	نویسنده	قرن	موضوع
۱	قانون	ابن سینا	۴	پزشکی

۲	نزهت‌نامه‌ی علایی	شهمردان بن ابی‌الخیر	۵	دانشنامه
۳	کفایة التعلیم فی صناعة التنجیم	محمد بن مسعود غزنوی بخارایی	۶	هیئت و نجوم
۴	جواهرنامه (تنسوخ‌نامه ایلخانی)	خواججه نصیر طوسی	۶	معدن و سنگ
۵	حاوی صغیر	محمد بن الیاس شیرازی	۷	طب
۶	عجایب المخلوقات	زکریا قزوینی	۸	دانشنامه حیوانات
۷	نفیس الفنون	شمس‌الدین محمد آملی	۸	دانشنامه علوم
۸	اختیارات بدیعی	علی بن حسین انصاری	۸	داروشناسی

۸- تاریخ و جغرافی

ردیف	نام کتاب	نویسنده	قرن	موضوع
۱	تاریخ طبری	محمد بن جریر طبری	۳	تاریخ
۲	تاریخ اصفهان	علی بن حمزه اصفهانی ^۱	۳ و ۴	تاریخ و جغرافی اصفهان
۳	مروج الذهب	علی بن حسین مسعودی	۴	مسائل تاریخی
۴	تاج المآثر	صدرالدین نظامی نیشابوری	۶	تاریخ هند
۵	معجم البلدان	یاقوت حموی	۷	جغرافی
۶	تاریخ ابن خلکان	احمد بن محمد بن خلکان	۷	تاریخ علما و دانشمندان
۷	آثار البلاد و اخبار العباد	زکریا ابن محمد قزوینی	۷	جغرافی
۸	المعجم فی آثار الملوک العجم	شرف‌الدین قزوینی	۷ و ۸	تاریخ شاهان پیش از اسلام
۹	جامع التواریخ	رشیدالدین فضل‌الله	۷ و ۸	تاریخ مغول
۱۰	طبقات الشافعیه	عبدالرحیم الاسنوی	۸	تاریخ فقیهان شافعی
۱۱	تاریخ گزیده	حمدالله مستوفی	۸	تاریخ عمومی جهان

۱. رشیدی در نسبت دادن این کتاب به علی بن حمزه اصفهانی خطا کرده و تاریخ اصفهان از حمزه بن حسن اصفهانی است (مجله فرهنگ‌نویسی).

۱۲	نزهةالقلوب	حمدالله مستوفی	۸	جغرافی
۱۳	تاریخ فیروزشاهی	ضیاءالدین برنی	۸	تاریخ شاهان دهلی
۱۴	ظفرنامه	شرف الدین علی یزدی	۵	تاریخ دوره تیمور
۱۵	حبیب‌السیر	خواندمیر	۸ و ۹	تاریخ عمومی جهان
۱۶	روضه‌الاحباب	میرجمال‌الدین حسینی دشتکی	۹ و ۱۰	تاریخ پیامبر و یاران
۱۷	تاریخ فرشته	محمدقاسم فرشته	۱۰ و ۱۱	تاریخ عمومی هند

۹- شرح‌ها و ترجمه‌ها

تتوی از برخی شرح‌ها و ترجمه‌ها نیز در فرهنگ خود نام برده‌است، مانند ترجمه صیدنه ابوریحان، ترجمه مقالات ارسطاطالیس، شرح‌های دیوان انوری و شرح نصاب‌الصیبان.

۱۰- منابع نایاب فرهنگ رشیدی

۱۰-۱- رساله ابوحفص سغدی

امروز از رساله ابوحفص سغدی متأسفانه چیزی جز چند سطر در فرهنگ‌ها و آثار پس از آن در دست نیست. عبدالرشید تتوی در سراسر فرهنگ رشیدی پنج بار از «رساله ابوحفص سغدی» و «نسخه ابوحفص» یاد کرده‌است. از آنجا که جمال‌الدین انجو شیرازی در دیباچه کتاب خود رساله ابوحفص سغدی را نخستین منبع خود دانسته، گمان می‌رود رشیدی به واسطه فرهنگ جهانگیری از این رساله استفاده کرده‌است، اما در سراسر کتاب فرهنگ جهانگیری تنها یک بار ذیل لغت چرگر بیتی از ابوحفص سغدی آمده و بس. گویا آن بیت نیز در نسخه اساس مصحح نبوده‌است، زیرا در متن فرهنگ جهانگیری در قلاب آمده (← انجو شیرازی ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۹۴۰).

از مقایسه مندرجات مدخل‌های استیم، چرگر، خاش، دفنوک، کسک، هزاک و دیرند در فرهنگ رشیدی و مجمع‌الفرس با یکدیگر مشخص می‌شود که ظاهراً رشیدی رساله ابوحفص سغدی را از نزدیک ندیده و احتمالاً به واسطه فرهنگ سروری از آن بهره برده‌است.

۱۰-۲- لسان الشعراء

امروز لسان الشعراء فرهنگی نایاب است. از نام نویسنده و سال و محل تألیف و چگونگی تنظیم آن اطلاعی در دست نیست. از آنجاکه از مآخذ کتاب ادات الفضلاء، بوده باید گفت پیش از سال ۸۲۲ هجری نوشته شده است:

مؤلف ادات الفضلاء در تألیف خود به محتویات کتب لغت مزبور اسامی بعضی از پادشاهان و کشورها و مقداری لغات دیگر را اضافه نموده است، به طوری که فرهنگ وی برای اغلب فرهنگ‌نویسان متأخر مورد استفاده قرار گرفته و از این حیث اهمیت خاصی برای این تألیف در تاریخ فرهنگ‌نویسی فارسی برای همیشه حفظ شده است (نقوی ۱۳۴۱، ص ۶۰).

نویسنده فرهنگ جهانگیری هنگامی که در آغاز کتاب خود از ۴۴ کتاب و رساله یاد می‌کند، لسان الشعراء را سی و دومین منبع می‌آورد، اما در کتاب کمتر از آن یاد می‌کند. از آنچه رشیدی ذیل مدخل‌های کاخه و پردک به نقل از لسان الشعراء آورده، به نظر می‌رسد به واسطه مجمع الفرس سروری از این فرهنگ بهره برده است.^۱

۱۰-۳- فرهنگ منظومه

در فرهنگ رشیدی هفت بار از فرهنگ منظومه یاد شده است. چنان‌که از شاهدها پیداست، این فرهنگ، مانند کتاب نصاب الصبیبان ابونصر فراهی، فرهنگی منظوم، اما فارسی - فارسی بوده است. رشیدی در مدخل‌های آژیر، آدرم، بادرم، پژ، پخپخو، برزم و کلک از این کتاب یاد کرده است. او از نویسنده این کتاب در ذیل لغت آژیر با عنوان «نیازی بخاری» و ذیل لغت پخپخو «نیازی» نام می‌برد. به درستی مشخص نیست این کتاب در چه زمانی تألیف شده است. به نظر می‌رسد پیش از فرهنگ سروری نوشته شده باشد، زیرا سروری چهارده بیت از این کتاب نقل کرده، اما از نویسنده تنها با نام «صاحب فرهنگ منظومه» یاد می‌کند.

از سوی دیگر، فرهنگی منظوم به نام «جامع اللغات» از «نیازی» نامی وجود دارد که مصحح فرهنگ سروری در نگاه نخست آن را با فرهنگ منظومه یکی دانسته است (←

۱. این فرهنگ تألیف فردی به نام عاشق است که میان سال‌های ۷۵۳ و ۷۹۰، عهد فیروزشاه تغلق، تألیف شده است. مرحوم نذیراحمد این کتاب را در سال ۱۳۷۴ / ۱۹۹۵ در ریزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو به چاپ رساند (مجله فرهنگ‌نویسی).

دبیرسیاقی (۱۳۴۰، ص ۵۰۰)، اما با پیدا شدن نسخه‌ای از آن بر ایشان تردیدی نمانده که این دو فرهنگ از یکدیگر مستقل است (← همو ۱۳۶۸، ص ۱۰۹).

مقایسه بیت‌هایی که در فرهنگ رشیدی از فرهنگ منظومه نقل شده با جامع‌اللغات نشان می‌دهد که بیت‌های یادشده در فرهنگ رشیدی به جز یک بیت، با اندکی اختلاف، در جامع‌اللغات وجود ندارد. در فرهنگ جهانگیری دو بیت از نیازی بخاری آمده، اما نامی از فرهنگ منظومه ذکر نشده است. به نظر می‌رسد مؤلف جهانگیری از نیازی دیگری سخن به میان می‌آورد که نویسنده فرهنگ منظومه نیست. البته یکی از بیت‌هایی که در فرهنگ جهانگیری از نیازی نقل شده در جامع‌اللغات ذکر گردیده است.

به‌هرحال، بنا به گفته عبدالرشید تتوی، صاحب فرهنگ منظومه نیازی بخاری است و احتمالاً رشیدی نسخه‌ای از این کتاب را از نزدیک دیده و بیت‌هایی از آن نقل کرده است.

۱۰-۴- فرهنگ سامانی

یکی از فرهنگ‌های ناشناخته فارسی - فارسی که رشیدی بارها به آن استناد کرده فرهنگ سامانی است. به‌درستی مشخص نیست نام کتاب «فرهنگ سامانی» است یا اینکه کتاب لغت به نام نویسنده‌اش «سامانی» مشهور شده است. از این فرهنگ در هیچ‌یک از آثار نویسندگانی که فهرستی از فرهنگ‌های فارسی آورده‌اند، مانند نفیسی (۱۳۱۰)، شهریار نقوی (۱۳۴۱)، دبیرسیاقی (۱۳۶۸) و همچنین در فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران و کتاب‌شناسی آثار چاپ‌شده در شبه‌قاره نامی برده نشده است. تنها بلوخرمان، خاورشناس انگلیسی، ضمن توضیحاتی که ذیل فرهنگ رشیدی آورده می‌نویسد:

رشیدی تصادفاً از کتابی که سامانی نوشته یا تحت نام او آمده نقل قول کرده. نویسنده آن برای من شناخته‌شده نیست، ولی اشارات زیرکانه او به گونه‌ای است که فرهنگ‌نویسان با حمایت از گفته‌های سامانی موافق خواهند بود. این کتاب احتمالاً پس از دومین تحریر سروری نگاشته شده است (Blochmann 1888, p. 21).

فرهنگ سامانی از منابع نسبتاً پرکاربرد رشیدی است که او به‌طور مستقیم بیش از شصت بار مطالبی از آن نقل کرده یا با آوردن عبارت «کذا فی السامانی» نوشته‌های خود را با استناد به آن تأیید کرده است:

آچار هر چیزی که در سرکه و انگبین و شکر و امثال آن ترتیب دهند، و این فعل را آچاریدن خوانند و خصوصیت ترتیب چیزی در سرکه

ظاهراً فرهنگ سامانی دیباچه‌ای در دستور زبان داشته که عبدالرشید تتوی استناد به آن را از مقدمه فرهنگ رشیدی آغاز کرده است: به قول سامانی هر لفظی که الف ندارد مخفف لفظی است که الف دارد و لغتی علی‌حده نیست (همان، برگ ۳ الف).

از اظهارات رشیدی چنین برمی‌آید که فرهنگ سامانی پس از فرهنگ جهانگیری و سروری نوشته شده، زیرا در فرهنگ جهانگیری و سروری نامی از فرهنگ سامانی نیامده است. افزون بر آن، رشیدی گاهی با استناد به فرهنگ سامانی به نقد فرهنگ جهانگیری پرداخته است:

باول و بابل / به ضم سیوم / ... صاحب فرهنگ جهانگیری باول غیر بابل پنداشته و خطا کرده. سامانی گفته «باول لغتی است در بابل یا معربش بابل است و صحیح این است، چه لفظ بابل در کلام مجید واقع است و لفظ عجمی بی تعریب در کلام فصحا، خاصه قرآن، واقع نشود، و منسوب بدان را باولی گویند» (همان، برگ ۵۴ الف).

احتمال دارد که فرهنگ سامانی در هندوستان نوشته شده باشد، زیرا در یک مورد معادل هندی لغتی را آورده است: **راوباده** صمغ درخت انجدان که به عربی حلتیت گویند و سامانی گوید: «این مرکب است از راو به معنی 'رای' که در لغت هند به معنی 'امیر' و 'بزرگ' است و از باد به معنی 'شراب'، چه هنود را به خوردن آن ولع تمام است، خاصه

مؤلف نهج‌الادب نیز هندی بودن سامانی را تأیید می‌کند:

عبدالرشید تهتوی... کتاب در لغت فارسیه نوشته و ماخذش کتاب سامانی است که یکی از علما نوشته و آن متوطن سامانه است که قصبه‌ای است از هند و مضافات سرهند بوده (رامپوری ۱۹۱۹، ص ۴۸۳).

از شاهدهایی که رشیدی نقل کرده چنین برمی‌آید که فرهنگ سامانی افزون بر ضبط تلفظ، شاهدهایی نیز داشته‌است، چنان‌که رشیدی آورده‌است:

آدیش سامانی آدیش / بر کسر ذال معجمه / به معنی «چوب آستانه» گفته و همین بیت شاهد آورده (همان، برگ ۲۲ الف).

گاهی سامانی در فرهنگ خود در بیت‌های شاهد جهانگیری تأمل کرده‌است:

آغیل به گوشه چشم نگرستن از روی خشم. او را سلام کردم دی / کرد سویم نگه به چشم حکاک گوید: نرمک او را یکی سلام زدم / کرد زی من به نیم چشم آغیل. و سامانی گوید: «گوشه چشم»، و این شعر چنین خوانده: نرمک (همان، برگ ۳۵ الف).

از استنادات رشیدی به فرهنگ سامانی چنین برمی‌آید که نویسنده آن در صرف

لغت تبصره داشته و رشیدی بارها به نکته‌های صرفی او اشاره کرده‌است:

اندروا «آویخته» و «معلق» و به معنی «حاجت» و «ضرورت» نیز آمده و بدین معنی است اندروایست و اندربایست و سامانی گوید اندروا لغتی است در دروا به معنی «نگونسار» و مرکب از اندر معروف و وا به معنی «مقلوب» و «باژگونه» (همان، برگ ۴۲ الف).

جامغول / به میم موقوف و غین مضموم و واو مجهول / «حرامزاده»... و سامانی گوید: «جامغول اصل آن جامه‌غول است، یعنی «لباس غول»، چه مکار و حرامزاده و راهزن و مضل می‌باشد. گویی دیو و غول در جامه اوست و لهذا دامغول نیز گویند و داغول نیز مخفف دامغول است (همان، برگ ۱۰۷ ب).

در فرهنگ رشیدی از دیباچه تا اوایل حرف «ز» بارها به فرهنگ سامانی استناد شده‌است، ولی در نیمه دوم کتاب تنها دو بار ذیل واژه کیمخت و مرز به آن اشاره شده‌است.

به جز عبدالرشید تتوی، شیخ محمود لاهیجی، نویسنده فرهنگ لب‌اللغه، نیز به فرهنگ سامانی استناد کرده‌است (← تاجبخش ۱۳۹۱، ص ۳۵).

فهرست‌نویسان نسخه‌های خطی نامی از سامانی و فرهنگ او نیاورده‌اند، اما چه بسا در میان نسخه‌های خطی هند و پاکستان نسخه‌ای از این کتاب ارزشمند وجود داشته باشد که تصحیح و احیای آن خدمت به تاریخ فرهنگ‌نویسی و زبان‌پارسی است. به این منظور واژه‌هایی که عبدالرشید تتوی در ذیل آن‌ها به فرهنگ سامانی استناد کرده‌است، آورده می‌شود:

آب‌چین، آتشیزه، آچار، آخور، آخ، آدیش، آذرگشسب، آزاد، آزده، آزنک، آسانی، آغشتن، آغیل، آکف، آکنج، آل، آمغ، آهو، استاه، اندروا، ایمر، باد برین، بادرنگ، بادرو،

بادفوردین، بادگرد، باربد، بارخدا، باره و باره، باز، بازافکن، بازپیچ، بالا، بانو، باول، بایا، بل، بلاژ و بلاش، پاچنگ، پاذیر، پاس، پاسپار، پاشنگ، پاغر، پالکانه، پالنگ، پایندان، تاخ و تاغ، تانول، تاول، جاف‌جاف، جامغول، جاندا، چال، چالیک، چام، خوار، داد، دارافزین، دالپوز، دیباچه، دیو، دیوسار، رامشخوار، رامیتن، راوباده، رایگان، زادشم، کیمخت، مرز.

منابع

- انجو شیرازی، میرجمال‌الدین (۱۳۵۱)، فرهنگ جهانگیری، به تصحیح رحیم عقیفی، سه جلد، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- تاجبخش، پروین (۱۳۹۱)، «فرهنگ لب اللغه، اثر شیخ محمود لاهیجی»، مجله آینه میراث، شماره ۵۱، ص ۲۱-۴۲.
- تنوی، عبدالرشید، فرهنگ رشیدی، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای ملی، شماره ۴۷۱.
- تنوی، عبدالرشید (۱۳۳۷)، فرهنگ رشیدی، به تصحیح محمد عباسی، دو جلد، تهران، بارانی.
- دبیرسیاقی، محمد (۱۳۶۸)، فرهنگ‌های فارسی و فرهنگ‌گونه‌ها، تهران، اسپرک.
- دبیرسیاقی، محمد (۱۳۴۰)، «فرهنگ منظومه»، مجله یغما، سال ۱۴، شماره ۱۱، صفحه‌های ۴۴۹-۵۰۱.
- درایتی، مصطفی (۱۳۸۹)، فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران، دوازده جلد، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی، تهران.
- رامپوری، نجم‌الغنی خان (۱۹۱۹ میلادی)، نهج‌الادب، چاپ سنگی، لکنهو، نول کشور.
- سروری، محمد قاسم (۱۳۳۸)، مجمع‌الفرس، به تصحیح محمد دبیرسیاقی، سه جلد، تهران، علمی.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۰)، تاریخ ادبیات در ایران، پنج جلد، تهران، فردوس.
- نفیسی، سعید (۱۳۱۰)، «فرهنگ‌های پارسی»، مجله شرق، دوره اول، شماره ۷، صفحه‌های ۳۹۳-۴۰۵.
- نقوی، شهریار (۱۳۴۱)، فرهنگ‌نویسی در هند و پاکستان، تهران، اداره کل وزارت فرهنگ.
- نوشاهی، عارف (۱۳۹۱)، کتاب‌شناسی آثار چاپ‌شده در شبه‌قاره، تهران، میراث مکتوب.
- نیازی بخاری (۱۳۹۰)، جامع اللغات، به تصحیح افسانه شیفته‌فر، تهران، میراث مکتوب.
- Blochmann, H. (1888), "Contributions to Persian lexicography", *Journal of the Asiatic Society of Bengal*, Calcutta, vol. 37, 1, p. 1sq.